

## پیشگیری از وقوع جرم و کارکرد بسیج در تضمین امنیت اجتماعی

نویسنده: محمد جعفر ساعد\*

فصلنامه مطالعات بسیج، سال دهم، شماره ۳۴ بهار ۱۳۸۶

### چکیده

بسیج نهادی کارآمد با کار ویژه‌های بنیادین در گستره ماندگاری نظم و پایداری امنیت در نظام جمهوری اسلامی به شمار می‌آید که در عرصه عدالت کیفری و امنیت اجتماعی نیز می‌تواند به عنوان سازوکاری مؤثر و بازدارنده، نقشی اثر گذار و قابل توجه ایفا کند. پیشگیری از جرم یکی از مقوله‌هایی است که نهاد بسیج با بهره‌گیری از نخستین کار ویژه خود یعنی فعالیتهای فرهنگی و اجتماعی در جهت ایجاد امنیت اجتماعی، نقش مضاعفی را ایفا می‌نماید.

در این نوشتار، ضمن نگاهی اجمالی به ادبیات پیشگیری از جرم در عالم علوم جنایی که اشراف بر آن برای نهاد بسیج با عملکردهای فرهنگی و اجتماعی آن ضرورتی گریز ناپذیر می‌نماید، به وجاهت پیشگیری از بزهکاری در گستره کاربست‌های بسیج در آیینہ قوانین و مقررات پرداخته می‌شود.

### واژگان کلیدی

بسیج، پیشگیری از جرم، پیشگیری اجتماعی، امنیت اجتماعی.

\*. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی و کارآموز و کالت دادگستری.

## در آمد

بشر خلاق و اندیشمند، متعاقب تولدش در دهکده جهانی، مسیر فردگرایی را به سرعت پیمود و به فضایی پا نهاد که تداوم حیات اجتماعی و جمعی‌اش، جز در کنار سایر هم‌نوعان امری محال می‌نمود. از این رو جامعه و وصف اجتماعی بودن بشر، بر اندیشه فردیت تفوق یافت و با جرح و تعدیلهایی اینچنین، تاکنون بر رأس هرم اندیشه‌ها و دنیای عملی بشر حاکم مانده است. تولد جوامع و تحولات آنها به صورت جوامع مکانیکی و ارگانیکی منجر شد که تضاد هنجارها و ارزشها با عنایت به خصیصه کنجکاو و تنوع اندیشی آدمی به وجود آید و در راستای ادامه روند حیاتی این جوامع، مسئله «نظم» قسمت قابل ملاحظه‌ای از تأملات بشر را به خود معطوف دارد. در راستای تحقق این امر؛ یعنی ماندگاری جوامع و پایداری نظم، دولت‌ها به جرگه بازیگران فعال و متولیان نامنفع‌افزوده شدند و آرام آرام، نظام عدالت کیفری... در چهره‌امروزی - به مثابه ضمانت اجرای عدم تخلف از این هنجارها و ارزشها که شالوده‌های ایفای نظم جامعه‌اند - به ظهور رسید.

در اوایل تولد این سیستم، رویکرد غالب در امر حفظ نظم اجتماعی به صورت «کیفری» و آن هم کیفرهایی با صفت «رنج آوری» و «سزادهی» متبلور شد و این امر حدود دو هزار سال به طول انجامید. با پیشرفت بشر در پهنه علوم، فن آوری و فن آفرینی، نظامهای عدالت کیفری نیز تحت تأثیر آنها، متحول شدند و با تزاید شناخت بشر از خود، رویکرد حاکم بر این سیستم‌ها نیز تا حدودی رنگ باخته و تعدیل گردید. یکی از برایندهای مثبت این فرایند تحول و پیشرفت بشری در عرصه حقوق کیفری که ماحصل شناخت بیشتر از شخصیت انسان و آثار وراثتی و محیطی بر حیات اوست، کاربست «ضمانت اجراهای دیگر» غیر از کیفر محض بوده که بر وفق وضعیت اتفاقی و شخصیت ارتكابی در عرض کیفر رنج آور و سزاده، گزینه‌ای دیگر که سازگار با مرتکب بوده از سوی مجریان قانون (قضات) اتخاذ می‌گردد.

با گذشت زمان، از یک سو تجربیات حاصل از به کارگیری این گزینه‌های کیفری و از سوی دیگر، مطالعات و تحقیقات در قلمرو کیفر، موجب شد تدابیری اندیشیده شود که از ارتكاب موارد ناقص هنجارهای کیفری جلوگیری به عمل آید. پیامد نخستین این

تأمل و تعقل که مبتنی بر مطالعات نظری و عملی بود، بشر را به سمت اتخاذ تدابیر بایسته‌ای سوق داد که فراتر از فعالیتهای نظام عدالت کیفری باشد، چنانچه قبل از اینکه هر گونه تخلفی از هنجارهای مقرر کیفری صورت گیرد، این اقدامات چنان کارا و پویا باشد که حتی مجالی برای اندیشه ارتکاب آنها در اذهان تابعان حقوق کیفری نباشد؛ یعنی با خنثی کردن مرحله و روند اندیشه به عمل مجرمانه<sup>۱</sup>، فرایند ارتکاب بزه نه تنها به فرجام نینجامد که مرحله آغازین آن هم پدیدار نگردد.

از این رو، در نظام عدالت کیفری به موازات کیفر سزاده که پاسخی واکنشی به نقص هنجار کیفری است، تدابیری در جهت پیشگیری از ارتکاب هر گونه نقص هنجار کیفری که پاسخی کنشی به احتمال نقص آنهاست، اتخاذ و تا حدودی جامعیت پاسخهای مناسب و متناسب با ارتکاب یا احتمال ارتکاب این هنجارها را به همراه داشته است. بدین سان، به مثابه کیفرهای سنتی، پیشگیری نیز در نظامهای عدالت کیفری، یکی از بازوهای وزین کنترل جرم و کاهش این پدیده گردیده که وجود و ضرورت وجود آنها در کنار پاسخهای واکنشی در جهت کاهش جرم امری گریزناپذیر و غیر قابل انکار است.

نهاد بسیج در فرایند اجتماعی، نهادی است که پس پیروزی انقلاب اسلامی، به ویژه طی جنگ تحمیلی، در جهت حمایت از نظام جمهوری اسلامی وارد روند سیاسی- اجتماعی جامعه شده و متعاقب خاتمه جنگ تحمیلی بسان نیرویی مؤثر در راستای اعتلای ارزشهای نظام و در نتیجه استقرار امنیت از رهگذر فعالیتهای فرهنگی و اجتماعی، خود را به عنوان نهادی ضروری در بطن انقلاب اسلامی جای داد. این نهاد که ابعاد فرهنگ و اجتماع را سرلوحه عملکردهای خویش برگزیده است، با عنایت به این کارویژه، می‌تواند در راستای مقابله با بزهکاری از رهگذر راهبردها، برنامه‌ها و طرحهای پیشگیرانه در قلمرو اجتماعی و فرهنگی، نهادی پویا و کارآمد شناخته شود که برآیند آن کاهش جرم در روند اجتماعی خواهد بود.

۱. Acting out؛ گذار از اندیشه به عمل عبارت است از فرایند ذهنی که به موجب آن شخص در اثر پیشینه فکری و اعمال اتفاقی پیرامون خویش، اندیشه مجرمانه به خاطرش خطور می‌کند شاخص و خصیصه گذار به اعمال مجرمانه، از یک سو تجدید خاطره و برداشت جدید از یک وضعیت یا واقعه تعارض آمیز است و از سوی دیگر، ناشی از واکنش هیجانی شدیدی است که جمود فکری و پسروی ایجاد می‌کند (برای اطلاعات بیشتر رک به: نجفی ابرند آبادی و هاشم بیگی، ۱۳۷۷، ص ۳)

با این توصیف، در این جستار سعی شده ضمن پرداختن به پدیده پیشگیری از وقوع بزه در نظام عدالت کیفری کشورمان در معنایی موسّع، نقش بسیج به منزله نهادی رسمی و انقلابی در متن فرایند سیاسی- اجتماعی کشورمان در این راستا فراخور موضوع مورد مذاقه و امعان نظر اجمالی قرار گیرد.

#### بند اول: پیشگیری از جرم؛ مفهوم شناسی، تنوع گونه‌ها و پیشینه

بیان هر مسئله و آغاز هر گفت‌وگو علمی، نیازمند واژگانی آغازین است که بتواند موضوع موصوف را تبیین و گزاره‌های مدنظر را توصیف کند تا از رهگذر آن بتواند مقصود را در فرجام کلام یا نوشتار بر سخن راند یا به قلم آورد. از این رو، مفهوم شناسی مسئله مطروحه و گونه شناسی آن ضرورتی است بدیهی و پرداختن به پیشینه و پویای تاریخی ظهور و بروز آن مسئله یا پدیده، مکملی است روشن که از انظار اندیشمندان و اذهان متفکران دور نخواهد بود. بدین سان، در این مجال به مفهوم و تنوع گونه‌های وقوع جرم به مثابه ابزاری نوین در گستره سیستم عدالت کیفری اشاره می‌گردد و در پرتو آن، بستر تحلیل ماهیت و کارویژه بسیج در این عرصه مورد مذاقه قرار می‌گیرد.

#### ۱. مفهوم شناسی پیشگیری از وقوع جرم

در جامعه بشری جرم به عنوان پدیده‌ای اجتماعی، از بدو تولد بشر در شکل یکی از فعالیتها و کارویژه‌های انسانی نمایان شده که با تأکید بر شنیع بودن آن از سوی آدمی، به انحای مختلف تدابیر و اقدامهایی گاه در جهت عدم تحقق آن و گاه در راستای ممانعت از ارتکاب مجدد یا تکرار آن اتخاذ شده است. در واقع؛ پیشگیری به منزله یکی از سیاستها و تدابیر بنیادین در حوزه کنترل اجتماعی به شمار می‌آید. (Hastings, 2005) که به کلیه اقدامات و راهکارهای مستقیم و غیر مستقیم بازدارنده از وقوع بزه، انحراف و کژروی می‌پردازد. با این توصیف، پیشگیری، «سیاست پیشینی» تقلی می‌شود که در برابر انواع کیفرها و اقدامات تأمینی و تربیتی که «سیاست پسینی» هستند، قرار می‌گیرد (اسحاقی، ۱۳۸۲، ص ۳). اگر چه در بادی امر، پیشگیری

از جرم<sup>۱</sup> گستره ای را در بر می‌گرفت که مرکز ثقل آن بر «عدم وقوع بزه مجدد» استوار بود، اما امروز با بسط این مفهوم به مرحله پیش از فرایند مجرمانه، و حتی اندیشه به فعل مجرمانه؛ یعنی وضعیتهای پیش جنایی<sup>۲</sup>، سعی می‌شود تدابیر پیشگیرانه اتخاذی، قلمرو کنشی و واکنشی را در بر گیرد.

با این توصیف، پیشگیری در قاموس ادبی به «دفع و جلوگیری»<sup>۳</sup>، «پیش دستی کردن» یا «آگاه کردن و هشدار دادن» تعبیر شده است (نجفی ابرند آبادی، ۸۱ - ۸۰) و در واژگان و نوشتگان علوم امروزی، مفهومی را به همراه دارد که در گستره ای فراگیر در بر گیرنده مجموعه اقدامات کنشی و واکنشی در مقابله با بزه است. به نگاه برخی از اندیشمندان کیفری و جرم شناسان، به جرئت می‌توان گفت به تعداد صاحب نظران جرم شناس و متفکران کیفری، تعریف پیشگیری از جرم ارائه شده است (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۲، ص ۲۱). از این رو، مقوله مفهوم شناسی در گستره علوم انسانی و در بحث حاضر، نسبی بوده و نمی‌توان به اصرار بر صحت تعریفی تکیه و بر سقم دیگری تأکید کرد. با این همه، نگرشها و تعاریف ارائه شده بر دو محور مضیق و موسع استوار است.

آقای گسن<sup>۴</sup>، جرم شناس فرانسوی با در نظر گرفتن معیارهای چهارگانه<sup>۵</sup> معتقد است که «پیشگیری شامل مجموع تدابیر سیاست جنایی - به استثنای تدابیر نظام کیفری -

1. Prevention of Crime / Crime Prevention.

2. Pre - criminal Situations.

وضعیتهای پیش جنایی یا ماقبل جنایی، مجموعه اوضاع و احوال پیش از تحقق بزه به شمار می‌آید که سبب وقوع پدیده جنایی شده و برای شخص مرتکب، ملموس و محسوس است. این نهاد شامل دو عنصر بنیادین است: نخست، واقعه یا یک رشته از وقایع که منجر به پیدایی و پدیداری نقشه جنایی در ذهن مرتکب می‌گردد و دوم، اوضاع و احوالی که ارتکاب بزه را به همراه آورده است. (رک به: گسن، ۱۳۸۵، ص ۱۹۳)

3. Prevenir / to prevent.

4. Gassan.

۵. معیار های چهار گانه عبارتند از: اقدامی پیشگیرانه قلمداد می‌شود که هدف نخستین آن تضمین پیشگیری از بزهکاری یا انحرافات جرم گونه باشد؛

تدابیر پیشگیرانه جنبه جمعی دارند؛

زمانی که مقصود پیشگیری از گزینش رفتارهای جنایی است، اقدامات پیشگیرانه زمانی بدین وصف متّصف خواهند شد که قبل از تحقق بزه یا کژروی، اعمال و اتخاذ گردند نه بعد از آن؛

اقدامی پیشگیرانه است که غیر سرکوبگر و سزاده باشد. (رک به: نجفی ابرند آبادی ۱۳۷۸، ص ۱۳۵)

می‌شود که غایت انحصاری یا لاقلاً جزئی آن، تحدید امکان وقوع مجموع اقدامهای مجرمانه از طریق غیر ممکن کردن، دشوارتر کردن یا کمتر محتمل کردن آنهاست (نجفی‌ابرناد، ۱۳۸۳، ص ۷). موریس کوسن، جرم شناس کانادایی در این راستا، پیشگیری را تدابیر غیر قهر آمیز یا غیر سرکوبگری می‌داند که غایت آن، مهار بزهکاری یا کاهش امکان وقوع بزه است. (رایجیان اصلی، ۱۳۸۳، ص ۱۳۶)

از سویی دیگر، متفکران امروزی با نگرشی موسّع به این مقوله، پیشگیری را در مفهومی کلان به کار برده، تمامی اقدامات غیر کیفری و نیز تدابیر اتخاذی نظامهای عدالت کیفری را در گستره پیشگیری جای می‌دهند. برخی از حقوقدانان و جرم شناسان کشورمان در این راستا و با چنین نگرشی، پیشگیری را عبارت می‌داند از: «پیش بینی، شناخت و ارزیابی خطر جرم و انجام اقداماتی برای رفع یا تقلیل آن» (میرمحمد صادقی، بی‌تا، ص ۱۰۲) که به تعبیر آنان، از آن به «مدیریت کردن خطر»<sup>۱</sup> نیز یاد می‌کنند.

از این منظر که رویکردی موسّع را نشانه می‌رود، پیشگیری از وقوع جرم، ابزاری است متمرکز بر سه فاکتور لازم برای تحقق جرم، خواه پیش و خواه پس از وقوع آن، که هدف انحصاری یا لاقلاً اصلی آن، محدود کردن امکان وقوع مجموعه ای از اعمال مجرمانه از رهگذر غیر ممکن کردن، دشوارتر کردن یا کاهش احتمال آنها و نیز به حداقل رساندن احتمال تکرار در صورت ارتکاب با عنایت خاص به فاکتورهای سه گانه مجرم، بزه دیده و شرایط و اوضاع و احوال است. بنابراین، پیشگیری از جرم در دنیای علوم جنایی درصدد آن است که با توسل به ابزارهای قهر آمیز (واکنشی یا کیفری)<sup>۲</sup> و غیر قهر آمیز (کنشی یا غیر کیفری) از مجرم شدن و بزه دیده شدن جلوگیری کرده و با دستکاری در وضعیتهای پیش جنایی، درصد احتمال وقوع بزه را به حداقل برساند. بدین سان با غلبه چنین نگرشی است که لایحه<sup>۳</sup> «پیشگیری از وقوع جرم»، در جهت ارائه تعریفی از این گزینه اشعار می‌دارد:

- 
1. Crime Risk Management
  2. Reaction- centristm

«پیشگیری از وقوع جرم عبارت است از پیش بینی، شناسایی<sup>۱</sup> و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامهای لازم برای از میان بردن یا کاهش آن». از این رو، توجه و تمرکز این نوشتار بر اساس آموزه‌های غالب امروزی در عرصه علوم جنایی، بر مفهوم موسّع پیشگیری از جرم استوار می‌باشد.

## ۲. گونه شناسی پیشگیری از جرم

از زمان پیدایش و پیدایی حقوق کیفری، به ویژه ظهور علم جرم شناسی و انجام مطالعات در حوزه بزهکاری در سیر تحولات مکاتب فکری کیفری که به ترتیب بر جرم، مجرم و جرم و اینک بزه دیده تمرکز کرده اند، به اندازه تنوع و تعدد اندیشمندان این حوزه می‌توان تعریف و تنوع گونه پیشگیری را متصور بود. (ر. ک. به: خالقی، ۱۳۸۰)

با وجود این، پیشگیری از وقوع جرم را به گونه‌های چندی تقسیم بندی می‌کنند که هر یک از این گونه‌ها بر مبانی مستقل و نگرشی خاص مبتنی بوده و نقطه خاصی را نشانه رفته است. در نگاهی فراگیر، پیشگیری از جرم را با ابتدای بر سه مؤلفه، به اشکال سه‌گانه‌ای ترسیم می‌کنند. شکل نخست بر شیوه دخالت و جلوگیری از ارتکاب بزه<sup>۲</sup> تکیه دارد که از این منظر، پیشگیری به دو گونه «طریقی» و «موضوعی» پدیدار می‌گردد (صفاری، بی تا، ص ۲۸۴). آن زمان که پیشگیری از رهگذر اصلاح مرتکب یا اصلاحات اجتماعی و از این قبیل یا به نحوی دیگر، در سیمای ارعاب و تنبیه جلوه‌گر می‌شود، پیشگیری از نوع «طریقی» یا «اصلاحی» یا «کیفری» است و زمانی که پیشگیری از رهگذر غیر قابل دسترس کردن آماج جرم متبلور می‌شود، پیشگیری از نوع «موضوعی» است که منجر به ممانعت از بروز و ظهور بزه می‌شود.

شکل دوم به محل یا زمینه یا موضوع دخالت<sup>۳</sup> مربوط می‌شود که در برگیرنده

۱. برخی از اندیشمندان حقوق کیفری در خصوص واژه «شناسایی» مقرر در این تعریف، بر این اعتقادند که استفاده از این واژه در تعریف مزبور چندان صحیح نبوده و کلمه «شناخت» که از جنس معرفت بوده و علمی است، پویاتر می‌باشد. (رک به: میزگرد پیشگیری از جرم در حقوق کنونی ایران ۱۳۸۳، ص ۳۱)

2. Form / Method of Prevention / Intervention.

3. Stage/ Time of prevention / Intervention.

پیشگیری مجرم مدار (مرتکب مدار) و بزه دیده مدار است. در این تقسیم بندی، پیشگیری اصلاحی اعم از اصلاحات فردی و اجتماعی، در پیشگیری مجرم مدار جای می گیرد و پیشگیری وضعی در پیشگیری بزه دیده مدار که اعم است از افراد یا اشیا. سومین شکل که بر پایه مطالعه تاریخ تحولات کیفری ترسیم شده، شامل «مرحله دخالت یا زمان اقدام»<sup>۱</sup> در امر پیشگیری است و از این نظرگاه، نمایانگر پیشگیری کنشی (غیر کیفری) و پیشگیری واکنشی (کیفری) می باشد. پیشگیری کنشی یا غیر کیفری، ابزاری پیشگیر قبل از وقوع جرم است که پیشگیری وضعی اجتماعی در آن جای می گیرد و پیشگیری واکنشی یا کیفری، دستاویزی کیفری- واکنشی پس از ارتکاب جرم است که پیشگیری عام و خاص در زمره تدابیر انفعالی و عکس العملی آن قلمداد می شود. (همان، ص ۲۸۵)

با عنایت به اینکه در میان این اشکال سه گانه، شکل سوم در قاموس و ادبیات علوم جنایی و به ویژه جرم شناسی معمول تر است، با تمرکز بر این دسته، به گونه شناسی پیشگیری از بزه پرداخته می شود تا با تدقیق در جایگاه و بستر اجتماعی این اقدامات، وجاهت و استلزامات کارکرد و نقش آفرینی بسیج و ایفای سهم این نهاد در پایش و پالایش روابط اجتماعی در گذار به مطلوب سازی اجتماع و ایجاد جامعه آرمانی و نمونه، برجسته و روشن گردد.

## ۲-۱. پیشگیری غیر کیفری

پیشگیری غیر کیفری یا کنشی که خاستگاه آن علم جرم شناسی<sup>۲</sup> بوده و به عنوان یکی از شاخه های سه گانه جرم شناسی کاربردی (ر.ک به: نجفی ابرند آبادی، ۷۹-۸۰، ص ۸ به بعد) - یعنی جرم شناسی پیشگیرانه<sup>۳</sup> - بر اتخاذ تدابیر کنشی تکیه دارد (همان). به جلوگیری از

1. Place / Subject of prevention.

2. Criminology

جرم شناسی، علم علت یابی و چرایی ارتکاب جرم در بستر اجتماع است که سعی دارد از رهگذر یافتن علل وقوع بزه از سوی سوژه های حقوق کیفری در فرایند اجتماعی، راهکارهای لازم را برای ممانعت از وقوع مجدد آنها و نیز پیشگیری از ارتکاب رویدادهای جنایی احتمالی در آینده ارائه کند.

3. Preventional Criminology



بزهکاری، از رهگذر شیوه‌های گوناگونی که خارج از نظام عدالت کیفری است، می‌پردازد. این گونه پیشگیری، در صدد مهار بزهکاری یا کاهش امکان وقوع بزه با توسل به ابزارهای غیر قهرآمیز و تدابیر غیر سرکوبگر است. به دیگر سخن، هدف نهایی آن، محدود کردن گستره جرایم، ناممکن ساختن، دشوار کردن یا کاستن امکان وقوع بزهکاری و در نتیجه سالم سازی جامعه با برهم زدن اوضاع واحوال قبل بزهکاری و رفع بحرانهای جرم‌زا است. از این رو، سیاست جنایی از آن برای مهار بهتر بزهکاری از طریق حذف یا محدودسازی عوامل جرم‌زا و نیز مدیریت مناسب و مطلوب محیط‌های فیزیکی و اجتماعی ای استفاده می‌کند که فرصتهای مساعد ارتکاب جرایم را ایجاد می‌نماید.

پیشگیری غیر کیفری را در یک دسته بندی کلاسیک و رایج به پیشگیری اجتماعی (۱-۱-۲) که متوجه بزهکار و نقش تعلیم و تربیت در تمایل زدایی وی به ارتکاب بزه بوده و بیشتر با تأمین حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مردم در سطح جامعه محقق می‌شود<sup>۱</sup> و پیشگیری وضعی (۲-۱-۲) که مربوط به بزه دیده و امکان زدایی ارتکاب بزه بوده و باید با رعایت حقوق و آزادی‌های مدنی و سیاسی مردم<sup>۲</sup> به اجرا در آید، تقسیم می‌کنند.

#### ۲-۱-۲. پیشگیری اجتماعی

پیشگیری اجتماعی<sup>۳</sup> مجموعه تدابیری است که مرکز ثقل توجه آن بر مهار عوامل تأثیرگذار در شکل‌گیری و پیدایی رخداد جنایی است، به صورتی که با تأثیرگذاری بر محیط‌های پیرامون بشر، اعم از محیط اجتماعی و طبیعی - و مداخله در فرایند رشد کودکان و نوجوانان مسئله دار اعم از ناسازگار، منحرف یا بزهکار - درصدد محدود کردن فرایند گذار از اندیشه به فعل مجرمانه، حذف یا کاهش علل جرم‌زا و در نتیجه سالم سازی جامعه است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳، مجموعه مقالات، ص ۵۵۹). بنابراین از یک جهت بر محیط‌های فیزیکی - جغرافیایی و اجتماعی (اعم از عمومی و شخصی) و از دیگر

۱. حقوقی که در نسل دوم حقوق بشر جای می‌گیرد.

۲. حقوقی که به نسل اول حقوق بشر مربوط می‌شود.

جهت، بر فرد و انگیزه‌های فردی و تأثیر گذاری بر آنها در جهت حذف یا کاهش بزهکاری تمرکز دارد (Watch) و بر همین مبناست که این دو مقوله از پیشگیری اجتماعی را که در قالب «پیشگیری جامعه مدار» و «پیشگیری رشد انگار» تبلور می‌یابند، «پیشگیری فردمدار»<sup>۱</sup> (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳، ص ۱۲) نیز می‌نامند؛ زیرا هدف رعایت این دسته از اقدامات پیشگیرانه، تأثیر گذاری بر فرایند شکل گیری شخصیت فرد یا محیط‌های پیرامون اوست که این فرایند را شکل می‌بخشند. به دیگر سخن؛ عنایت آنها، تقویت بنیادهایی است که با اثر گذاری بر گروه‌های در آستانه خطر و نیز محیط‌های پیرامون آنها به جامعه پذیری شان یاری می‌رسانند (رایجیان اصلی، ۱۳۸۳، ص ۱۴۹). شاید به همین واسطه است که پیشگیری اجتماعی را بهترین توصیف از پیشگیری نخستین<sup>۲</sup> به شمار می‌آورند.

#### ۱-۱-۲. پیشگیری رشد مدار

پیشگیری رشد انگار که مداخله روانشناختی- اجتماعی زودرس در فرایند رشد کودک یا نوجوان مسئله دار است، با شناسایی این گونه اطفال و نوجوانان که زودتر از سنین معمول، رفتارهای ناسازگارانه، منحرفانه یا بزهکارانه از خود بروز داده‌اند، درصدد آن است تا با وقوف بر خلأها، کمبودها و مشکلات عاطفی، تربیتی، تحصیلی، فرهنگی و... که عامل بروز این رفتارها بوده‌اند، اقدامات و تدابیری را در راستای جلوگیری از عوامل خطر سازی که احتمال پذیرش و تخلیه رفتارهای ناسازگارانه، منحرفانه و مجرمانه پایدار را از سوی آنها در آینده افزایش می‌دهد، اتخاذ کند. (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۳، مجموعه مقالات، ص ۵۶) در این گونه پیشگیرانه که برای نخستین بار در دهه شصت در آمریکا و کانادا تجربه شد و متعاقب آن به اروپا رسوخ یافت (کاری یو، ۱۳۸۱، ص ۲۷۰)، علاوه بر خود کودک یا نوجوان ناسازگار، منحرف یا بزهکار، ممکن است حسب مورد والدین، دوستان، همکلاسی‌ها، آموزگاران و... نیز مشمول اقدامها و مداخله‌های روانی - اجتماعی‌ای شوند که غایت آنها پیشگیری از مزمن، پایدار و مقاوم شدن واقعه مجرمانه در آینده

1. Individual – based Crime prevention.  
2. Primary prevention.

است. از آنجا که مرکز توجه پیشگیری رشد انگار یا زودرس بر مهار یا جلوگیری از عوامل خطری است که کودکان را در آستانه خطر بزهکاری یا کژروی قرار می‌دهند، می‌توان آن‌را در جلوه ایی از پیشگیری دومین یا ثانویه قلمداد کرد. (رایجیان اصلی، ۱۳۸۳، ص ۱۵۰)

۲-۱-۲. پیشگیری جامعه مدار

در کنار پیشگیری اجتماعی رشد انگار که بر «شخصیت» کودک یا نوجوان مسئله دار تکیه دارد، پیشگیری اجتماعی محور به «محیط» پیرامون شخص اما با گستره ای فراگیرتر عنایت دارد و شامل اقدامهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و پیشگیرانه نسبت به محیط‌های پیرامونی فرد است. این نوع پیشگیری که رایج ترین و پرسابقه ترین گونه پیشگیری غیر کیفری است، سعی دارد با بهبود شرایط زندگی در یک محیط معین، به طور مستقیم بر رفتار مجرمانه تاثیر گذارد. از این رو آثار جرم زای محیطی را خشی یا حداقل کاهش دهد.

مطالعه ساختار و تشکیلات جامعه و شناسایی عوامل بزه زا در این عرصه، تغییر اوضاع و احوال نا مساعد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی در سطحی کلان و نسبت به افراد نظیر فقر، بیکاری، اشتغال کاذب، سوء اشتغال، بیماری، بی سواد، حاشیه نشینی، بی مسکنی و... و مقابله با عوامل نا مساعد روانی - جامعه شناختی و فردی که شرایط خاص درون خانوادگی نظیر شکستهای عاطفی، تربیتی و تحصیلی و رفع آنها، جلوه هایی از غایت و اهداف این گونه از پیشگیری غیر کیفری است. بر این مبنا، این گونه پیشگیری را می‌توان جلوه ای از پیشگیری از نوع نخستین در قیاس با پیشگیری زودرس یا رشدمدار به شمار آورد که آرمان آن، بهبود رفاه عمومی در سطح عمومی است.

۲-۱-۲. پیشگیری وضعی

پیشگیری وضعی (موضعی، موقعیتی، موقعیت مدار یا وضعیت محور) عبارت است از اقدامات قابل سنجش و ارزیابی مقابله با جرم که از طریق مدیریت یا مداخله در محیط بلاواسطه به شیوه ای نظام مند منجر به کاهش فرصتهای جرم و افزایش خطرات جرم است. (رزن بام، ۱۳۸۲). این دسته از اقدامات پیشگیرانه سعی دارد با اتکا بر یکی از زوایای سه گانه جرم؛ یعنی آماج یا بزه دیده جرم، فرصتها و موقعیتهای ارتکاب بزه را کاهش

دهد. (Clarke). در واقع؛ پیشگیری وضعی مجموعه تدابیری است که بر موقعیتهای محیطی و زمینه ساز رخداد جنایی یا وضعیتهای ما قبل جنایی محیطی تأثیر می‌گذارد (National Crime Prevention Centre). و با حفاظت از آماجهای جرم از رهگذر تدابیر فنی بر دو مؤلفه تمرکز می‌نماید: کاهش وضعیتهای پیش جنایی و افزایش خطر شناسایی و دستگیری بزهکار (S: Tuartinal Crime Prevevion Theory). بدین سان، از آنجا که تأکید مؤکد بر آماج جرم دارد و غایت آن کاهش بزه دیدگی است، می‌توان رابطه‌ای تنگاتنگ بین آن و «بزه‌دیده‌شناسی حمایتی (ر.ک به: رایجیان اصلی، ۱۳۸۵، لیز و ژینا، ۱۳۷۹)». متصور شد؛ چراکه با افزایش هزینه جرم و شناسایی آن، به حداقل رساندن بزهکاری را مد نظر دارد.

پیشگیری وضعی که در برگیرنده اقدامات و روشهایی در جهت کاهش فرصت بزهکاری است، اولاً، به سوی شکل کاملاً خاصی از بزه نشانه می‌رود. ثانیاً، متضمن طراحی و مدیریت محیط بلاواسطه (صحنه و محل وقوع جرم) یا همان نظارت و تحت نفوذ در آوردن هرچه پایدارتر و سازمان یافته تر محل وقوع جرم است، به طوری که زحمات و خطرات ناشی از اقدام برای ارتکاب جرم را افزایش داده و سود حاصله را، به صورتی که در نظر اکثر مرتکبین جلوه‌گر می‌شود، کاهش می‌دهد (صفاری، بی‌تا، ص ۲۹۲). تفاوت این گونه پیشگیری با سایر گونه‌ها در این است که در این رویکرد از فنون و شیوه‌هایی بحث می‌شود که می‌تواند مرحله عملیاتی ارتکاب جرم و حداکثر تأثیر گذاری بر مرحله تصمیم‌گیری مرتکب باشند. به دیگر سخن؛ در این رویکرد، جرم قابل پیش بینی است و صرف نظر از علل مؤثر بر مرتکب، از رهگذر کاهش فرصتهای ارتکاب و آماجهای آن به واسطه اعمال روشهای فیزیکی (مادی) یا تغییر و کنترل موقعیتهای مناسب برای ارتکاب بزه، از وقوع آن جلوگیری به عمل می‌آید. از این رو، از ورود به وادی پیچیده سلسله عوامل متعدد انسانی و اجتماعی جرم و تحلیل و برخورد با آنها احتراز می‌گردد.

این گونه پیشگیری ناظر به محدود کردن فرصتهای ارتکاب بزه است (Australian Institute of Criminology). از راهکارهای آن می‌توان به اعمال تدابیری جهت دشوار نمودن ارتکاب بزه، بالا بردن خطر شناسایی و دستگیری مرتکب و کاهش منافع حاصل از ارتکاب جرم اشاره کرد. از این رو می‌توان گفت هدف در پیشگیری وضعی، حمایت و حفاظت از آماج جرم است که برای وصول به آن از دو طریق عمل می‌شود: کاهش علاقه ایجاد شده برای ارتکاب جرم از طریق ایجاد موانع فیزیکی میان بزهکار بالقوه و بزه دیده بالقوه در زمره یکی از این عوامل به شمار می‌آید که خود به دو قسم است: یکی موانع انسانی نظیر عوامل امنیتی و گشت پلیس و دیگری، موانع مادی مانند نصب قفل و حفاظ، دوربین، چشم الکترونیکی، دزد گیر، تقویت روشنایی کوچه‌ها و حضور شبگردها.

## ۲-۲. پیشگیری کیفری

پیشگیری کیفری یا واکنشی که یکی از مؤلفه‌های سیاست جنایی در مفهوم مضیق؛ یعنی سیاست کیفری است، از دیگر ابزارهای پیشگیری از ارتکاب بزه و سرانجام، آرمان کاهش جرم به شمار می‌آید.

### ۲-۲-۱. پیشگیری جمع مدار

امروزه، نتایج و یافته‌های مطالعات مبین این واقعیتند که اقدامهای پیشگیرانه غیر کیفری در جهت مقابله ای جامع و مانع در ارتکاب بزه به تنهایی کافی نبوده، بلکه در جهت کاهش بزهکاری و احتمال به حداقل رساندن جرم در جوامع انسانی به موازات این اقدامات، اتخاذ تدابیر واکنشی و پیشگیرانه کیفری نه تنها لازم که ضروری می‌نماید. با این توضیح که در گذشته‌های دور صرفاً اقدامات اتخاذی در قبال بزهکاری در قالب ابزارهای قهرآمیز و سرکوبگر جلوه می‌کرد و اقدامات پیشگیرانه در عرصه غیر کیفری و خارج از نظامهای عدالت کیفری، محلی از اربعاب نداشت، چنانچه از ورود تدابیر کنشی به نظام عدالت کیفری به مثابه گزینه‌ای مسلم و غیر قابل اجتناب در کنار اقدامات واکنشی، بیش از چند دهه نمی‌گذرد. با این همه، گزینه «کیفری» به منزله هسته اصلی

پیشگیری کیفری قدمتی به طول تأسیس نظام عدالت کیفری دارد که مدار واکنشهای این سیستم در مقابله با بزهکاری بر پایه این گزینه استوار است.

زمانی که رخداد جنایی به وقوع می‌پیوندد، نظام عدالت کیفری از رهگذر پاسخها یا واکنشهای از پیش تعیین شده خود که غالباً در چارچوب «کیفر» نمود می‌یابد، با عنایت به وضعیت اتفاقی و شخصیت ارتكابی و به علاوه، به لحاظ تناسب میان بزه و کیفر، پاسخی که بتواند پویا و کارآمد باشد، اتخاذ می‌کند. براینند این فرایند، از یک جهت «مرتکب» را نشانه می‌رود و از جهت دیگر شهروندان آن جامعه‌ای که بزه در آن ارتکاب یافته است. آن زمان که مرتکب غایت و مرکز ثقل نظام عدالت کیفری است، در گستره پیشگیری کیفری، پیشگیری خاص یا مرتکب مدار مطرح می‌شود و زمانی که با نگاهی فراگیرتر پیامی خطاب به شهروندان جامعه دارد پیشگیری عام یا «جمع مدار» نمایان می‌گردد.

پیشگیری عام؛ ارباب یا بازدارندگی عام (جمعی) که یکی از مؤلفه‌های نظریه کاهش جرم به شمار می‌آید (رایجیان اصلی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۲)، به مفهوم تأثیر کیفر بر دیگران است؛ یعنی تأثیر گذاری بر افرادی غیر از مرتکب که احتمالاً اندیشه مجرمانه را در سر می‌پروراند یا در صدد به فعل در آوردن آن هستند. از این رو، «بازداشتن آنها از دستیازی به این پهنه به واسطه عبرت آموزی از کیفری تحمیلی بر مرتکب. بنابراین، این دسته از اقدامات پیشگیرانه کیفری که گاه «پیشگیری واکنشی جمع مدار» نیز خوانده می‌شود، با مخاطب قرار دادن سوژه‌های حقوق کیفری از رهگذر رعب انگیزی و عبرت آموزی جمعی به دنبال پیشگیری از بزهکاری نخستین آنهاست.

در این نوع پیشگیری، فرض بر آن است که فرد ناظر یا مطلع از «اجرای» یک کیفر چنان ترسی در دلش ایجاد شود که به خاطر اجتناب و گریز از چنان سرنوشتی یا بدتر از آن سعی کند در وادی بزهکاری وارد نشود. برای تحقق این امر از رهگذر ارباب انگیزی و عبرت آموزی که گاه آن را «ابزار» و بعضاً «غایت» آن محسوب می‌کنند، شروطی چهارگانه لازم است که صرفاً مختص پیشگیری عام نبوده و پیشگیری خاص را

نیز شامل می‌شود. در وهله نخست، مجازات زمانی بازدارنده است که حالت الگو به خود بگیرد (شدت مجازات) و همه سوژه‌های کیفری - اعم از مرتکب و دیگران - به طور قطع بر این باور باشند که در صورت ارتکاب بزه، حتماً در خصوص آنان اعمال می‌شود. (حقیقت کیفر). این چنین امری حادث نمی‌شود مگر زمانی که همگان در پرتو تبلیغات و اطلاع رسانی به دو مؤلفه فوق واقف شوند (اطلاع همگان) و به علاوه، شدت و حتمیت آن با «سرعت» همراه باشد. (سرعت مجازات)

اندیشمندان فلسفی و حقوق کیفری در گستره پیشگیری کیفری و اهداف و دورنمای آن، وفاق و اجماع نظر ندارند و هر یک به رغم خود، با ابتدای بر اندیشه‌ها و غایتهای مورد نظر، رویکرد خاصی به این مقوله دارند (ر.ک. به: صفاری، ۱۳۸۴، ص ۱۰۰ به بعد). گاه برای اعمال پیشگیری کیفری که غالباً در قالب «کیفرسزاده و رنج آور» متبلور می‌شود، نظری به گذشته دارند و در جهت توجیه آن، نقص وظیفه اخلاقی و تعدی به ارزشها و هنجارهای مورد تأکید اخلاق اجتماعی را بر می‌شمرند (Duff & Garland, 1997. p. 17) و گاه در این راستا، نگرشی به آینده دارند و با آینده‌انگاری، توسل به کیفر را ابزاری مفید در قبال نقض هنجار کیفری قلمداد می‌نمایند (Gavadino & Dignan, 2002, p. 33). رویکرد نخست که درونمایه گذشته مدار دارد، در چارچوب «اندیشه غیر پیامدگرا یا سزامحور» نمایان می‌شود و رویکرد دوم که بر کارویژه «آینده» استوار است، اندیشه پیامدگرا یا کاهش انگار خوانده می‌شود.

با این توصیف، هر دوی این رویکردها، بر این امر تأکید دارند که پیشگیری کیفری به عنوان بازوی وزین سیاست جنایی<sup>۱</sup> مضیق (سیاست کیفری)<sup>۲</sup> و در زمره ممکن ترین سلاح جوامع انسانی، با تهدید کیفری تابعان کیفری از یک سو و به اجرا گذاشتن این تهدید از رهگذر کیفر کسانی که ممنوعیتهای کیفری را نقض کرده‌اند از سوی دیگر، در مقام پیشگیری جمع مدار (عام) و پیشگیری فرد مدار (خاص) از جرم است.

1. Criminal policy / politics of crime / politique criminelle

2. Penal policy / criminal justice policy / politique penale

سیاست کیفری در برگیرنده مجموعه تدابیر و شیوه‌های سرکوبگرانه و سزاده است که دولت از رهگذر آنها به جرم پاسخ می‌دهد.



## ۲-۲-۲. پیشگیری فردمدار

پیشگیری خاص، فردمدار، مرتکب محور یا اختصاصی، عبارت از ارعاب و ترسی است که در خود مرتکب یا محکوم علیه در اثر اجرای کیفر ایجاد می‌گردد و از این رو، باعث می‌شود تا دگرباره مرتکب جرم نشود. در واقع؛ پیشگیری واکنشی خاص که گونه ای از پیشگیری کیفری مبتنی بر مرتکب یا مجرم است، سعی می‌کند با اعمال کیفر بر فرد بزهکار از رهگذر رعب انگیزی و عبرت آموزی به پیشگیری از بزهکاری دوباره از جانب وی اهتمام ورزد. اگر بتوان اقدامات پیشگیرانه قبل از ارتکاب بزه و عملی کردن اندیشه مجرمانه را در گستره تدابیر پیشگیرانه ناکیفری جای داد، در این نوع پیشگیری که مورد بحث است، به فضایی اشاره دارد که شخص در عالم واقع مرتکب فعل یا ترک فعلی شده است و در پایان روند رسیدگی، ضمن احراز ارتکاب فعل یا ترک فعل مربوط، شخص به کیفری مناسب جرم ارتکابی و متناسب با شخصیت خویش محکوم شده است که این کیفر مقرر برای وی از سوی قاضی رسیدگی کننده به جرم و صادرکننده حکم به عنوان ابزاری بازدارنده در جهت عدم تکرار جرم یا بزهکاری مجدد وی از رهگذر خصیصه کیفر تحمیلی است که متناسب با شخصیت بزهکار و مناسب جرم روی داده تعیین شده است.

## بند دوم: بسیج در آینه پیشگیری از جرم

بسیج نخستین الگوی انقلابی و به عنوان نهادی بنیادین در مسیر تحولات سیاسی و اجتماعی می‌تواند به سهم خود در پیشگیری از پدیده اجتماعی جرم در کنار سایر نهادها و اقشار جامعه مشارکت کند. در راستای تبیین این مهم و توضیح جایگاه بسیج در امر پیشگیری از بزهکاری سعی می‌گردد با تمرکز بر تنوع گونه‌های پیشگیرانه نظری به وضعیت موجود این نهاد انقلابی- اجتماعی در گستره قابلیت‌های و درونماهای این نهاد پرداخته شود.



## ۱. وجاهت پیشگیری از جرم در میان کارکردهای بسیج

آنچه در این مجال مطمح نظر است، بر این مدار اندیشه می‌چرخد که رابطه موجود بسیج و مؤلفه پیشگیری از جرم، چگونه متبلور می‌گردد؟ آیا باید رابطه‌ای تنگاتنگ و مستقیم را متصور بود یا به گونه غیر مستقیم این دو گزینه را با هم مانوس پنداشت.

نگاهی به فلسفه وجودی و پدیداری این نهاد انقلابی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و به ویژه ایفای نقشی مؤثر در طول هشت سال دفاع مقدس، این اندیشه را در اذهان برخی تقویت کرده که گویا چنین امری مبین این واقعیت است که نقطه آغازین و مرکز ثقل پدیداری این نیرو و نهاد در بطن نظام بر مسائل امنیتی و دفاعی استوار بوده است. حال آنکه اگر چه نمی‌توان نقش بسیار برجسته نهاد بسیج را در عرصه جنگ تحمیلی انکار کرد، اما رویکرد دفاعی - امنیتی تأسیس این نهاد، نه تنها به عنوان کارویژه نخست، که نمایانگر کارکرد ثانویه این نهاد، آن هم بر اساس ضرورت حفظ انقلاب و دستاوردهای آن در برابر دشمن به شمار می‌آید.

به هر حال، از منظر دنیای موصوف به «سیاست جنایی»، ارتباط گریزناپذیری بین وضعیت هیئت حاکمه و نظام عدالت کیفری وجود دارد؛ به طوری که اتخاذ هر گونه تدبیری در عرصه حکومتی نمی‌تواند بی‌تأثیر بر عالم حقوق کیفری باشد یا بالعکس. چنان‌که می‌توان دایره‌ای را متصور شد که این دو مقوله در میان آن جای دارند و هر دو یک نقطه را نشانه رفته‌اند و آن نقطه جز شعاع نظم عمومی نیست. از این رو، با عنایت به آرمان موجود نظامهای عدالت جنایی در میان تابعان حقوق بین الملل، می‌توان اذعان داشت که رویکردهای سیستمهای جزایی در برخورد با نقض هنجارهای کیفری به عنوان جلوه‌ای از تدابیر حمایتی و تأمین برای آسایش و آرامش فیزیکی و روانی شهروندان به شمار می‌آید که تابعان حقوق بین الملل به ناچار در راستای حمایت از غالب شهروندان، جامعه و دولت در قبال اقلیت شهروندان و بعضاً دولت حسب مورد بدان توسل جسته‌اند. در واقع؛ این تدابیر امنیتی ممکن است با اولویت حقوق ملت یا حکومت ترسیم شود اما نظم عمومی هر دو را دربر می‌گیرد.

در عالم روابط و امنیت بین الملل نیز این مسئله تا حدودی صدق می‌کند. چنان‌که مؤلفه امنیت با گستره‌ای موسّع شامل تمامی اقدامات اتخاذی دولت بوده و هر نهادی در حیطه فعالیت خود، نقطه و بخشی از این مفهوم وسیع را دنبال می‌نماید. از این رو، تمامی نهادهای موجود به تحقق این مسئله اهتمام می‌ورزند؛ با این تفاوت که برخی از رهگذر مقابله با وقوع جرم در جامعه در این تشریک مساعی مشارکت می‌کنند، برخی دیگر از طریق ایجاد امنیت فیزیکی و برخی دیگر از راه تأمین بهداشت عمومی و شخصی و نظایر آن.

با این مقدمه و این زاویه دید، نقش بسیج به منزله نهادی مؤثر و مفید در بطن انقلاب اسلامی در امر مقابله با پدیده جنایی، اگر چه با توصیفی موسّع از مفهوم امنیت در دنیای سیاست جنایی مشمول مقوله امنیتی نیز می‌شود که هر چند در ابتدای انقلاب و شکل‌گیری آن عمدتاً رویکرد دفاعی داشته و به صورتی فرعی و جنبی (کارکرد ثانویه) رخ می‌نمود، با خاتمه جنگ تحمیلی و آغاز روند بازسازی وضعیت اجتماعی و سازندگی جامعه در تمامی ابعاد آن، این امر تحت توجهات ناظر بر کارکردهای فرهنگی بسیج، جان تازه‌ای یافت (کارکرد اولیه). به هر حال، با عنایت به الگوهای عقیدتی و تعمیق اندیشه‌های دینی- مذهبی، تحقق این مقوله؛ یعنی پیشگیری از جرم، به عنوان ابزاری مناسب برای تأمین بخشی از امنیت در مفهوم کلان در قیاس با نهادهای دیگر، بیشتر محل امیدواری و قابل انتظار است.

## ۲. بسیج و تأمین امنیت عمومی؛ پیشگیری وضعی

چنان‌که پیشتر از نظر گذشت، پیشگیری وضعی یا موقعیت‌مدار شامل مجموعه تدابیر و اقداماتی است که با مداخله در اوضاع و احوال پیرامونی بزه و موقعیتها یا فرصتهای پیش‌جنایی به دنبال منصرف کردن بزهکاران احتمالی یا بالقوه از ارتکاب بزه می‌باشد (گسن، ۱۳۷۶، ص ۶۰۷ به بعد). این گزینه از پیشگیری در جهت مقابله با وقوع بزه، از استراتژی‌های مختص به خود بهره‌مند است که هدف نهایی آنها کاهش فرصتها و امکان

بزهکاری برای مرتکبان بالقوه است. افزایش اقدامات لازم برای ارتکاب بزه در زمره نخستین راهبردهای این تدبیر پیشگیرانه محسوب می‌شود که قفل کردن دربها، استفاده از قفل فرمان در اتومبیل، به کارگیری گاوصندوق و شیشه‌های ضد گلوله، نمونه‌هایی چند از این راهبرد در حمایت از آماجهای جرم است.

افزایش خطرات ارتکاب جرم، راهبردی دیگر است که کنترل ورود و خروج در برخی اماکن خاص نظیر فرودگاهها با برخی اشیاء، فلزیابهای کارگذاشته شده، دستگاههای دزدگیر یا کشف سرقت در فروشگاهها و نظایر آن تحت شمول این نوع راهبرد وضعی قرار می‌گیرند. در این میان، کاهش آماجهای جرم نیز راهبردی دیگر در گستره پیشگیری وضعی است. (رزن بام، ۱۳۸۲، ص ۱۱۵-۱۱۴)

طرح چنین مسئله‌ای گویای این واقعیت است که بسیج به منزله نهادی بنیادین در نظام جمهوری اسلامی می‌تواند در عرض سایر نهادهای مستقیم یا غیرمستقیم مرتبط با معمای جرم، نقش قابل ملاحظه‌ای را در امر پیشگیری از این پدیده جنایی از رهگذر پیشگیری «وضعی یا موضعی» ایفا کند. اما به راستی چنین نقشی در مقام عمل چگونه متبلور می‌گردد و نهاد بسیج از چه طریقی این مهم را به مرحله عمل می‌رساند؟

در گستره پیشگیری وضعی و به منظور مقابله با تحقق هر گونه نقض هنجار کیفری، راهبردهایی پیش بینی شده است که قابلیت اعمال برخی از آنها در قلمرو فعالیتها و کارویژه‌های اولیه بسیج جای می‌گیرد. یکی از ابزارهای مفید و مؤثر پیشگیری وضعی، حضور نهادهای رسمی و گاه غیر رسمی اما متعهد در اماکن و موقعیتهای اجتماعی است که از رهگذر این امر، اشخاصی که اندیشه ارتکاب بزه در سر می‌پرورانند یا اینکه در لحظه ای آنی، وجود موقعیتی وی را به دامان بزه رهنمون می‌شود، حضور این گروهها و نیروها بتواند این اشخاص را که به اصطلاح مرتکب یا بزهکار بالقوه نام می‌نهند از عملی کردن اندیشه خود باز دارد و در نتیجه با استفاده از فرصت سوزی بزهکاران احتمالی، از نقض هرگونه هنجار کیفری جلوگیری به عمل آورند. در این راستا، بسیج می‌تواند در کنار نیروهای انتظامی، ایفای نقش کرده و در مکانها و محله‌ها و مراکز با وضعیت

خاص، در جهت کاهش فرصتهای وقوع بزه و فعلیت افکار مجرمانه شهروندانی که به عمل گوناگون، این امر در اندیشه‌های آنان رسوخ یافته، اقدام کند.

ارتباط بسیج با پیشگیری وضعی از جرم را می‌توان از برخی مصوبات و مقررات به خوبی استنباط کرد که برنامه چهارم توسعه در زمره این مصوبات و مقررات است.

ماده ۱۱۹ برنامه چهارم توسعه در جهت چشم انداز پنج ساله نهاد بسیج با تأکید بر تأمین امنیت ملی به عنوان یکی از وظایف بارز بسیج، فعالیت‌هایی را بر شمرده است که با نگرش حقوق کیفری- جرم شناختی به آن، به سهولت می‌توان مسئله پیشگیری از بزه را به عنوان یکی از کارویژه‌های بسیج از آن استنباط کرد. بر اساس این ماده و عنایتی جنبی به موارد ۱۲۱ و ۱۲۵ این برنامه، برخی از محورهای تکلیفی دولت و به ویژه بسیج در امر تأمین امنیت ملی، تهیه سازوکارهای لازم جهت توسعه مشارکت مردمی برای تأمین نظم و امنیت عمومی و تهیه طرح راهبرد توسعه نظم و امنیت کشور با رویکرد جامعه محوری، مشارکت همگانی و ارتقای احساس امنیت در جامعه می‌باشد.

با عنایت به اینکه مقوله امنیت و تأمین آن در کشور صرفاً منوط به امور نظامی نبوده و مسائل اجتماعی نیز در کنار مسائل اقتصادی و فرهنگی می‌توانند نقش ویژه‌ای داشته باشند؛ از این رو، مهار ارتکاب بزهکاری و جلوگیری از وقوع انحراف در فرایند اجتماعی از دیگر راههایی است که نظم موجود و امنیت مطلوب را به سهم خود برقرار می‌سازد. بدین سان، در این گستره و با لحاظ پیشگیری وضعی می‌توان بر این عقیده بود که حضور نیروهای بسیجی در بطن روند اجتماعی به صورت فیزیکی در راستای بازدارندگی اشخاص بالقوه از ارتکاب بزه یا از بین بردن فرصتهایی برای تمایل اشخاص به انجام آنها، می‌تواند بخشی از نظم مطلوب و امنیت موعود را فراهم سازد.

### ۳. بسیج و پیشگیری اجتماعی

این یک واقعیت است که بزهکاری تابع تحول جامعه است (معظمی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۶). از این رو، کنترل محیط‌های پیرامونی سوژه‌های حقوق کیفری، اعم از محیط اجتماعی و طبیعی می‌تواند تا حدودی یافتن پاسخ معمای جنایی را در فرایند اجتماعی آسان کند. این

کنترل و ایجاد مانع در بطن روند اجتماعی به منظور جلوگیری از وقوع بزه از سوی برخی اشخاص مستعد ارتکاب جرم به مفهوم ایجاد موانع صرفاً مادی در محیط‌های مادی و بعضاً طبیعی نبوده، بلکه در چارچوب گونه‌های عدیده ای متبلور می‌گردد. مؤلفه فرهنگ و فرهنگ سازی در کنار آموزش و پرورش نیز در زمره بخشهای بنیادین این نوع پیشگیری به شمار می‌آید.

به علاوه، نظر به کاربست بسیج در فرایند اجتماعی از طریق اعتلای فرهنگ، اعم از فرهنگ دینی و ملی و نیز حمایت از ارزشها و هنجارهای اجتماعی مبتنی بر اخلاق و اسلام که روح انقلاب اسلامی را تشکیل می‌دهد، نهاد بسیج می‌تواند نیرویی مؤثر و مفید در زمینه ممانعت از وقوع هر گونه انحراف، کژروی و بزهکاری در جامعه باشد. چنان‌که این مقوله مهم در سیاست جنایی تقنینی کشورمان راجع به بسیج به دفعات، عنایت و تأکید شده است.

### ۱-۳. پیشگیری از رهگذر آموزش و ترویج فرهنگ دینی

فرهنگ، تبلور روح جمعی در گذر هنجارهای اجتماعی است که بشر در جریان حیات رو به روی خود از رهگذر ارتباط و بهره مندی از قوه تعقل و خرد بدان دست می‌یابد و با الزام خویش به عنایت به محورهای بنیادین، جهت تداوم حیات خویش نه تنها موجودیت خود را تضمین می‌کند که روند تداوم آن را نیز میسر می‌سازد. در این میان، دین و آموزه‌های دینی بخش مهم و بسیار مؤثر در گستره فرهنگ به شمار می‌آید که بدین واسطه به فرهنگ دینی موسوم می‌شود.

در فضایی آکنده از ایمان و ضرورت پیروی از آموزه‌های دینی، فرهنگ جوامع بشری بیش از پیش در قیاس با گزینه‌های دیگر تحت تأثیر این مؤلفه الهی بشری قرار دارد، چنان‌که در برخی جوامع نظیر کشورمان، مرکز تأمل و تقریر هر کنش و واکنش اجتماعی و محور اتخاذ هر گونه تدبیری برای رفع مشکل، بهبود وضعیت موجود و تحقق حقیقت موعود از رهگذر ساده و کوتاه‌تر قرار دارد.

با نگاهی به تحولات تاریخی، سیاسی و اجتماعی کشورمان در چند دهه اخیر، به ویژه

دهه پایانی حیات رژیم گذشته و دهه آغازین حیات انقلاب اسلامی، پر واضح است که اندیشه مذهبی تا چه اندازه در وقوع رخدادها ی اجتماعی - سیاسی و به خصوص تغییر و تحول فرایند اجتماعی (ر.ک. به: ریشه، ۱۳۸۳، ص ۲۶) و نیز جهت دهی این روند مؤثر بوده است. دین اسلام به عنوان حاکم بلامنازع اندیشه در عرصه اجتماع ایرانی، فارغ از علت العلل و جهت دهی تحولات اجتماعی - سیاسی سده حاضر کشورمان، در گستره تأمین امنیت و تضمین شالوده های بنیادین فکری نظام جمهوری اسلامی کشورمان نیز واجد اهمیت و نقشی مضاعف است. اشراف جامعه ایرانی بر آموزه های دینی به منزله یک مسلمان و افزون بر این، تأکید بر رعایت و عملی کردن آنها در فرایند اجتماعی به معنای عام و در چارچوب شاکله اصلی و مرجع رفع معماها و معضلات پیشرو، جامعه ای امن را به ارمغان آورده است.

این ریشه گزینی تفکرات دینی در میان اقشار و آحاد ملت کشورمان در خصوص معمای جنایی؛ یعنی جرم نیز به رغم خود از اهمیت قابل ملاحظه ای برخوردار است؛ چرا که اعتقاد به عدم تجاوز به حقوق دیگر شهروندان یا افراد هممنوع و ضرورت رعایت حال سایر افراد جامعه در زمره آموزه های دین مبین اسلام است که باعث می شود افراد واجد تعقل و خرد؛ یعنی تابعان حقوق کیفری، به سهولت از آن نگذشته و به نقض حقوق سایر هممنوعان خویش اهتمام نورزند.

در سایه همین اندیشه است که ماده ۱۵۹ قانون برنامه چهارم با تأکید، به اولویتهای فرهنگی - دینی می پردازد که به صورت عمیق با بسیج در ارتباط می باشد:

«برای اعتلای معرفت دینی و بهره گیری از اندیشه های انقلاب اسلامی و رهنمودهای مقام معظم رهبری در تحکیم مبانی ارزشهای انقلاب اسلامی و فرهنگ جهاد و شهادت در جامعه به ویژه در جوانان و نوجوانان، وزارتخانه های آموزش و پرورش... نیروهای مقاومت بسیج و سایر دستگاههای دولتی مکلفند اقدامات مشخص در بندهای (الف تا ه) را به عمل آورند.»

۱. گفتنی است که در برنامه چهارم توسعه، مواد ۱۰۶ و ۱۰۷ با تغییراتی جایگزین این ماده شده است.

این ماده از چند جهت حایز اهمیت است: نخست، نقش بسیج و مأموریت ذاتی آن را، همان گونه که بیشتر نیز ذکر شد، در فرهنگ سازی و تحکیم مبانی معرفت دینی در جامعه مورد شناسایی و تأکید مجدد قرار داده است. دوم، وجود نهادهای فرهنگی خاص نظیر آموزش و پرورش یا فرهنگ و ارشاد اسلامی را در کنار لزوم ایفای وظایف قانونی و ذاتی بسیج در امور فرهنگی و دینی پیش بینی کرده است. (ساعد و دیگران، ۱۳۸۴، ص ۲۴)

در چنین مجالی، نهاد بسیج که با تأکید مؤکد بر آموزه‌های دینی و در راستای پایداری از این اصول از رهگذر فرهنگ سازی و ترویج فرهنگ دینی و ملی پس از پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان نهادی انقلابی متولد شده، با ارتباط مضاعف با فرهنگ دینی، نقش دوچندانی در امنیت ملی و تضمین امنیت عمومی اجتماعی بازی می‌کند. از یک سو، نیروهای بسیجی با اعتقاد راسخ به دین مبین اسلام و فرهنگ دینی، ضمن اشراف برمبانی، اصول و قواعد اسلام و نیز رعایت تمامی واجبات و توصیه‌های بنیادین آن در مرحله عمل به عنوان نیروی بازدارنده و پیشگیرانه، عاملی مؤثر و مفید برای عدم وقوع بزه در میان این صنف خاص اجتماعی تلقی می‌شوند و از سوی دیگر، در گام بعدی به عنوان نیروی مسئول در بطن فرایند اجتماعی و در راستای اهداف و آمال تولد این نهاد در جامعه، از طریق ابزاری قدرتمند و مؤثر که از اصول بنیادین در دین اسلام جهت پاکسازی جامعه از شر و ترویج و ترغیب خیر محسوب می‌شود؛ یعنی امر به معروف و نهی از منکر، نقش مسئولی متعهد و متخصص را بازی می‌کند که در سناریوی مقابله با وقوع منکر (که جرم نیز در این وادی جای می‌گیرد) و گسترش معروف، پایه‌های لرزان عقیدتی و ایدئولوژیک افراد مستعد و متمایل به منکر را با یادآوری شالوده‌های وزین اسلامی مستحکم می‌سازد. در این مقام، نهاد بسیج نقشی پیشگیرانه به خود می‌گیرد که با قدرت بازدارندگی خویش از طریق آموزش افراد مسئله دار جامعه و یادآموزی فرهنگ دینی سعی می‌کند روند معمول و امن اجتماعی را حفظ کرده، ستون روند اجتماعی آتیه را پایدارتر سازد.



## ۲-۳. پیشگیری اجتماعی از رهگذر حمایت از ارزشهای ملی - فرهنگی

هر ملتی در مسیر تاریخ تحولات خویش از ارزشها و هنجارهایی بهره مند است که این ارزشها و هنجارها با گذر زمان، پایه‌های ضروری ماندگاری آن ملت را تشکیل می‌دهد و گاه این مسئله، نمادی وزین و نشانی غرور آفرین برای آن ملت به شمار می‌آید که معیار میزان غنا و ابهت و حتی بهره‌گیری از قوه خرد آن ملت و قوم قلمداد می‌شود. تا بدانجا که در میان عوام، این امر به صورت عباراتی همچون: «بی فرهنگی قومی و ملتی» یا «با فرهنگی قوم و ملیتی دیگر» به زبان رانده می‌شود.<sup>۱</sup>

بدین سان، ارزشهای ملی در هر جامعه، نمادی قابل تحسین محسوب می‌شوند که در مسیر گذر زمان همواره از سوی مشتاقان آن، نه تنها مورد حمایت قرار می‌گیرند که ضرورت تداوم آنها از رهگذر عنایت ویژه آن ملت و قوم در مقام عمل تأکید می‌شود. از این رو، به واسطه اینکه این ارزشها همواره برای جامعه غرور آفرین و تحسین برانگیز بوده می‌توان چنین پنداشت که این مقوله به لحاظ حفظ نظم و برقراری امنیت اجتماعی، در بطن و متن اجتماع کارایی خاص داشته و به قدری مؤثر بوده که در قالب «ارزش»، آن هم «ارزش ملی» نمایان شده است. این ارزشها می‌توانند شهروندان جامعه را در بسیاری از موقعیتهای جهت داده و از ورود آنها به مسیر غیر مستقیم که به انحراف و کژروی یا جرم منتهی می‌شود، جلوگیری کنند.

با چنین توصیفی، نهاد بسیج می‌تواند از طریق ترویج این ارزشها و ترغیب فرهنگ ملی، در راستای اعتلای این فرهنگ و ارجگذاری به ارزشهای ملی، وظیفه خویش را به انجام رساند. از این رو، در گستره سیاست جنایی تقنینی کشورمان، ترغیب ارزشهای ملی و فرهنگی و نیز حمایت از آنها به منزله تکلیفی برای نهاد بسیج برشمرده شده است تا ضمن ماندگاری این ارزشها در جامعه، بتوان از این رهگذر از وقوع بسیاری از رفتارهای نابهنجار به معنای عام جلوگیری به عمل آورد.

بخش چهارم برنامه چهارم توسعه، با تکیه و تأکید بر «صیانت از هویت و فرهنگ

۱. بدیهی است که در میان جوامع بشری، جامعه بی‌فرهنگ وجود ندارد.



اسلامی - ایرانی»، به ویژه ماده ۱۰۴ آن که بر محوری بودن «توسعه فرهنگی» به عنوان وظیفه کلیدی نهادهای مختلف در حوزه فرهنگ و توسعه فرهنگی از جمله بسیج پرداخته، چشم انداز پنج ساله نیروی بسیج را با در نظر گرفتن محورهای موصوف به صورت ذیل ترسیم نموده است (ساعد و دیگران، ۱۳۸۴، ص ۲۸):

- حمایت از توسعه فضاهای مجازی فرهنگی، هنری و مطبوعاتی حاوی اطلاعات و داده‌های فرهنگی، دینی، تاریخی و علمی (بند ط، ماده ۱۰۴)؛
- صرف نیم درصد اعتبارات دستگاههای اجرایی به منظور ترویج فضایل اخلاقی و معارف اسلامی و انجام امور فرهنگی، هنری، سینمایی و مطبوعاتی کارکنان خود (بندی) با همکاری وزارت فرهنگ و [بسیج]؛
- ایجاد فضاهای فرهنگی و هنری (کتابخانه مرکزی، تالار فرهنگی و هنر و...) متناسب با ویژگی‌های جمعیتی، اجتماعی و فرهنگی (بند ک).
- افزون بر این، ماده ۱۰۶ این برنامه نیز با اشاره به عناصر فرهنگی موثر بر شکل‌گیری هویت اسلامی - ایرانی (همان)، تلاش در راستای حفظ این هویت را به مثابه ضرورتی گریز ناپذیر پنداشته و مقرر می‌دارد:
- دولت موظف است به منظور تعمیق ارزشها، باورها، فرهنگ معنویت و نیز حفظ هویت اسلامی - ایرانی، اعتلای معرفت دینی و توسعه فرهنگی قرآنی، اقدامهای زیر را به عمل آورد:
- بسط آگاهی‌ها و فضایل اخلاقی در میان اقشار مختلف مردم و زمینه‌سازی اقدامهای لازم برای ایجاد فضاهای فرهنگی سالم و شرایط مناسب برای فریضه امر به معروف و نهی از منکر و اهتمام به آن.
- گسترش فعالیت رسانه‌های ملی و ارتباط جمعی در جهت مقابله با تهاجم فرهنگی و سالم‌سازی فضای عمومی.

از سوی دیگر، ماده ۱۰۸ برنامه مزبور نیز در راستای موارد پیش گفته و در واقع بستر سازی و تمهید زمینه‌سازی لازم برای اجرایی کردن و به اصطلاح تحقق اهداف مطلوب

نظر، ابعاد نرم افزاری فرهنگ سازی و صیانت فرهنگی را- که می‌تواند با تحقق آن در گستره پیشگیری از وقوع جرم نیز بی‌تردید با کاهش بزه مواجه خواهیم بود - مورد تاکید قرار داده و اقدامات لازم را برای این مهم، به قرار ذیل مقرر کرده است:

• حمایت از پژوهشهای راهبردی و بنیادی در زمینه اعتلای معرفت دینی و توسعه فعالیت‌های قرآنی؛

• تهیه طرح جامع ترویج و توسعه فرهنگ نماز؛

• تهیه طرح جامع گسترش فضاهای مذهبی توسط سازمان تبلیغات اسلامی و اوقاف؛

• استمرار اجرای طرح ترویج فرهنگ دینی؛

• آشنا سازی جوانان و تحکیم ارتباط آنان با اندیشه و زندگی امام و آرمانهای

انقلاب اسلامی.

بنابراین، بسترسازی‌های فرهنگی با تأکید بر فرهنگ اسلامی - ایرانی در جامعه از سوی نهادهای متولی و به ویژه بسیج که کارکرد اصلی آن را نیز دربرمی‌گیرد، علاوه بر تأثیر قابل ملاحظه آن بر روند تأمین امنیت ملی و تضمین آن در امنیت عمومی اجتماعی، در گذاری خاص و از رهگذر پیشگیری از وقوع نابهنجاری‌های اجتماعی که در چارچوب کژروی و انحراف یا جرم متبلور می‌شود، می‌تواند تا حدودی مسیر امن حیات شهروندان و سوزده‌های حقوق کیفری را فراهم و فرایند اجتماعی را در عرصه‌های گوناگون سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و نظایر آن با عدم بحران به سوی آینده بدرقه کند.

#### ۴. کارویژه بسیج در وادی پیشگیری کیفری

آنچه در وادی پیشگیری کیفری روی می‌دهد مربوط به زمانی است که جرم در عالم واقع محقق شده و شخصی به صورت فعل یا ترک فعل عامل شکل‌گیری آن بوده است. در این مجال که انواع پیشگیری‌های غیر کیفری مؤثر واقع نیفتاده‌اند، نظام عدالت کیفری وارد عرصه می‌شود و از راه تشریفات که پیشتر مقرر کرده، سعی می‌کند عمل یا ترک

عمل موصوف را با قوانین و مقررات ماهوی سنجیده، به آنچه میزان و گاه مصلحت اجتماعی بر آن تأکید نموده، حکم دهد.

سیاست جنایی تقنینی در خصوص نهاد بسیج از نظرگاه پیشگیری کیفری، نیروهای بسیج را به عنوان ضابطی پنداشته است که در مواقع ارتکاب بزه از سوی مرتکب در محیط و به ویژه جرایم مشهود، در راستای کشف جرم، تعقیب و بازجویی مقدماتی از متهم، حفظ آثار و دلایل جرم، جلوگیری از فرار و مخفی شدن وی و ... وارد عمل شده و در اسرع زمان این وظیفه را به نحو احسن به انجام رساند. (ضابط خاص دادگستری)<sup>۱</sup>

توضیح اینکه با تأکید قانونگذار اساسی کشورمان (اصل ۱۷۲) بر مشارکت بسیجیان در امر برقراری امنیت با عنوان ضابط دادگستری و ضرورت عملکرد این نهاد نوظهور در نظام سیاسی - اجتماعی در قوانین موضوعه، این نقش جهت عملی ساختن آرمان مزبور و اجرای قانونی مفاد این اصل، برای نخستین بار در قانون دادرسی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی مصوب ۱۳۶۴/۲/۲۲ با اصلاحات سال ۶۸، پیش‌بینی شد و با تلقی کردن بسیجیان به عنوان یکی از گونه‌های ضابطین دادگستری، در تبصره ۲ ماده ۱ این قانون به صلاحیت محاکم عمومی در امر رسیدگی به جرایم ارتكابی این افراد در مقام ضابط دادگستری پرداخته شد (ساعد، ۱۳۸۴، ص ۵۰). در سال ۱۳۷۱ در راستای حمایت قضایی از بسیجیان در امر انجام وظیفه به عنوان ضابط دادگستری، قانونی با عنوان حمایت قضایی از بسیج در قالب هفت ماده از تصویب مجلس شورای اسلامی گذشت و به موجب ماده نخست آن، به نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اجازه داده شد همانند ضابطین قوه قضاییه هنگام برخورد با جرایم مشهود در صورت عدم حضور ضابطین دیگر یا در صورت اعلام نیاز آنها، اقدام کنند. (همان)

۱. ماده ۱ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری در جهت ارائه تعریفی از ضابطین دادگستری اعم از عام و خاص مقرر می‌دارد: «ضابطین دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات مقام قضایی در کشف جرم و بازجویی مقدماتی و حفظ آثار و دلایل جرم و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم و ابلاغ و اجرای تصمیمات قضایی به موجب قانون اقدام می‌نمایند.

### نتیجه‌گیری و پیشنهاد

با اینکه در سیر تکوین جامعه بشری حربۀ نخستین در برابر بزهکاری شهروندان، به صورت کیفی سزاده و سرکوبگر جلوه گر شده، اما یافته‌های مطالعاتی و حتی تجارب انسانی در طول حیات بشری تاکنون، بیانگر این واقعیت بوده‌اند که پاسخ رنج‌آور<sup>۱</sup> به شهروندان اجتماع نه تنها بر خلاف اصل حفظ کرامت و ذات انسان است که نقش مؤثری در بازگرداندن سالم آنها به اجتماع نداشته است. از این رو، دانشمندان به روایات مختلفی اظهار می‌کنند که «بزهکار یا مریض است یا نادان، باید به درمان و آموزش او پرداخت، نه اینکه او را خفه کرد» (مرکز مطالعات قوه قضاییه، ۱۳۸۲، ص ۶۳). بدین‌سان، بشر آموخت که پاسخهای واکنشی تنهایی کافی و وافی برای نیل به مقصود نبوده، بلکه بایست راهبردهایی کنشی نیز در این ارتباط اتخاذ کرد. این گونه بود که با توسیع دامنه پیشگیری، پیشگیری کنشی یا غیر کیفی در کنار پیشگیری کیفی یا واکنشی جایگاه به نسبت مستحکمی تا به امروز یافته است.

با پیروزی انقلاب اسلامی و تولد نهاد بسیج به منزله نهادی انقلابی در جهت اعتلای فرهنگ انقلابی- اسلامی و حفظ آرمانهای انقلاب، این نهاد نیز واجد نقش آفرینی و تکلیف‌پذیری شد و بدین منظور، بسط و گسترش اعتلای فرهنگ چه در عرصه دینی و مذهبی و چه در حوزه حمایت از ارزشهای ملی و اسلامی، به عنوان وظیفه آغازین آن بر شمرده شد. در این میان، اگر یکی از ابزارهای مقابله با تحقق این فرهنگ در وضعیت داخلی کشورمان را تمایل برخی شهروندان جامعه به ارتکاب رفتارهای نابهنجار در قالب انحراف و جرم یا نگرشی ایدئولوژیک حرام بپنداریم، پیشگیری از وقوع این مقوله نیز مانند یکی از وظایف بسیج به شمار می‌آید که از رهگذر آن بتواند از بروز رویدادهای ناخوشایندی که بر پیکره اجتماع و در مفهومی محدودتر بر پیکره فرهنگ دینی - اسلامی و ملی تأثیر مخربی دارد، جلوگیری به عمل آورد.

در نتیجه، پدیده جنایی در روند اجتماعی، اگر چه پدیده ای اجتماعی فرض می‌شود

۱. نظیر وردالی، ورگرم، ورسرد

و قدمتی نیز به طول تاریخ حیات بشری دارد، به منزله یکی از موانع آرمانهای بسیج در امر اعتلای فرهنگ دینی و اجتماعی تلقی می‌شود که عدم عنایت مستقیم به آن در بسیج تاکنون محل تأمل است. به راستی تحقق هر هدف و عملی کردن هر مقصودی نیازمند تأمل و نگرشی تام در جمیع جهات است تا بدان واسطه، راهبردی جامع و مانع در جهت تضمین عملی آن هدف و مقصود تهیه و تدوین شود. اعتلای فرهنگی متصف به وصف دین و ارزشهای ملی و نیز حمایت از آنها مستلزم نگرش جامع و اتخاذ تدابیری منسجم است که بتواند در آتیه ای نه چندان دور ما را به سر منزل مقصود رهنمون سازد.

اگر چه پیش بینی ترویج روحیه ایثارگری و شهادت طلبی در کنار ترویج فرهنگ نماز می‌تواند ابزارهای بی‌تردید کارآمدی در جامعه اسلامی ما باشد، اما بایست به مقولاتی اجتماعی نظیر جرم و انحراف نیز که ماحصل فرایند اجتماعی و شاید سیاستهای کلان بعضاً نامتناسب و غیر بومی در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و... است، توجهی مضاعف کرد و به مانند هدفی معین از رهگذر پیش بینی و اجرای طرحها، برنامه‌ها و راهبردهای دقیق و کارشناسی شده با آن مقابله کرد.

بایسته است بسیج نیز با تلاش کمیسیونی با عنوان «پیشگیری از جرم» به سهم خود در راستای سالم سازی جامعه و پاکسازی از هر گونه نقض هنجارهای کیفری و اجتماعی، مسیر تحقق کارویژه‌های نخستین خویش را هموار سازد!

از این رو، موارد ذیل پیشنهاد می‌شود:

• ایجاد کمیسیون پیشگیری از بزهکاری؛ در راستای بند ط ماده ۱۱۹ برنامه چهارم توسعه مبنی بر تهیه ساز و کارهای لازم جهت توسعه مشارکت مردمی برای تأمین نظم و امنیت عمومی<sup>۲</sup> به دو منظور:

۱. اگر چه در ساختار موجود نهاد بسیج می‌توان مراجع یا نهادهایی (نظیر نهاد امر به معروف و نهی منکر) یافت که برابند آنها به صورت پیشگیرانه متبلور می‌گردد، اما مقصود در اینجا آن است که نهاد بسیج در کنار سایر کارویژه‌های خود با نگرشی تعمدی و آگاهانه به مقوله پیشگیری از رهگذر کمیسیونی با این عنوان، این مسئله را مانند کار و ویژه‌های نخستین خود مدنظر داشته و بر این مسئله نیز تمرکز خاص کند.

۲. پدیده بزهکاری در این مورد به منزله مانع یا ابزاری است با ویژگی انحرافی که نظم و امنیت عمومی را خدشه‌دار می‌سازد و راه تحقق این مهم را به اطاله می‌کشاند.

۱. آموزش و ترویج فرهنگ اسلامی در گستره پیشگیری اجتماعی، طرحهای مؤثر و مفیدی هستند که در این ارتباط قابل ملاحظه اند. ایجاد مراکز فرهنگی، هنری و ورزشی و اجرای برنامه‌های مناسب این عرصه‌ها، بی تردید نه تنها روحیه اسلامی را مضاعف می‌کند که روحیه قانون‌مداری و عدم تمایل به قانون‌گریزی را در آنها تقویت و جایگاهی دیگر می‌بخشد.

۲. آموزش بسیجیان با حضور فیزیکی در محله‌ها و خیابانها و در کل فرایند اجتماعی در جهت کاهش فرصتهای ارتکاب بزه از سوی سایر شهروندان. در این مقوله، بسیج به عنوان نهاد بازدارنده اجتماعی در چارچوب پیشگیری وضعی متبلور می‌شود که با از بین بردن فرصتهای ارتکاب جرم در پیکره اجتماع، در سالم سازی جامعه نقش مهمی را ایفا می‌کند.

• **ترویج آموزه‌های پیشگیرانه از رهگذر نگارش و اجرای طرحها و پروژه‌های تحقیقاتی و مطالعاتی برای جامعه بسیج در امر پیشگیری از بزه؛** پر واضح است که یکی از بنیادهای پدیداری و پایداری بسیج، ترویج و ترغیب آموزه‌های فرهنگی در عرصه‌های مختلف است. از این رو، اشراف نیروهای آن به مسائل پیشگیری از جرم مانند بازیگرانی فعال در گستره فرهنگی و اجتماعی می‌توانند مددکارانی قلمداد شوند که در واقع مزیقه و مشکلات فیزیکی و روانی سایر شهروندان و اشخاص مرتبط با آنها، این افراد را به جهتی سوق دهند که فرجام آن نه تنها ورود به وادی بزهکاری که آشتی دادن با فرایند اجتماعی و مؤلفه‌های فرهنگی در گستره‌های ملی و دینی باشد.

• **پیش بینی پیشگیری از جرم در سیاست جنایی تقنینی به منزله تکلیفی برای بسیج؛** در امر کاهش بزهکاری نظیر بند(د) ماده ۸ قانون نیروهای انتظامی؛ به نظر می‌رسد اگر تاکنون نهاد بسیج در ارتباط با بزهکاری، سیاستی مستقیم و مستحکم اتخاذ نکرده است، بدین واسطه بوده که مقوله پیشگیری از بزهکاری را در گستره فعالیتها و کارویژه‌های نخستین خود برنشمرده، بلکه متولی آن نهادهای دیگر پنداشته است. این امر شاید به خاطر عدم پیش بینی مسئله مزبور در پهنه سیاست جنایی تقنینی کشورمان در

ارتباط با بسیج باشد. در حالی که اگر این مهم در حیطه وظایف این نهاد می‌بود، مانند برخی دیگر از نهادها می‌بایست در قوانین بدان تصریح می‌شد. از این رو، برای رفع این شبهه به نظر می‌رسد که در کنار وظایف این نهاد، مسئله پیشگیری از جرم نیز گنجانده شود تا نه تنها رفع شبهه گردد که تدابیر لازم در قالب تشکیل مرجعی همچون کمیته یا کمیسیونی در این راستا و دیگر تدابیر لازم از سوی بسیج اتخاذ گردد.



۱. اسحاقی، محمد (۱۳۸۲)؛ «رویکردی استراتژیک به پیشگیری از جرم»، مجموعه مقالات پیشگیری از جرم، مرکز مطبوعات و انتشارات.
۲. خالقی، سمیرا (۱۳۸۰)؛ «سنجش و ارزیابی انواع روشهای پیشگیری از جرم»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
۳. رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۵)؛ «بزه دیده شناسی حمایتی»، تهران، نشر داد گستر.
۴. رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۳)؛ «رهیافتی نو به بنیانهای نظری پیشگیری از جرم»، مجله حقوقی دادگستری، سال شصت و هشتم، دوره جدید، شماره‌های ۴۸-۴۹. (پاییز و زمستان)
۵. رزن بام، دنیس، (۱۳۸۲)؛ «پیشگیری وضعی از جرم»، برگردان رضا پرویزی، مجموعه مقالات پیشگیری از جرم، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
۶. روزه، گی (۱۳۸۳)؛ «تغییرات اجتماعی، برگردان منصور وثوقی، تهران نشر نی، چاپ پانزدهم.
۷. ساعد، محمدجعفر (۱۳۸۴)؛ «رویکرد نظام عدالت کیفری به جرایم بسیجیان با تأکید بر صلاحیت محاکم» فصلنامه مطالعات بسیج، سال هشتم، شماره ۲۹. (زمستان)
۸. ساعد، نادر و ساعد، محمدجعفر (۱۳۸۴)؛ «نقدی بر کارویژه بسیج در پرتو قانون برنامه چهارم توسعه: کاستی‌ها و راهکارها»، فصلنامه مطالعات بسیج، سال هشتم، شماره ۲۶. (بهار)
۹. صفاری، علی (۱۳۸۴)؛ «کیفر شناسی یا توجیه کیفر علوم جنای»، گزیده مقالات آموزشی برای ارتقای دانش دست اندرکاران مبارزه با مواد مخدر در ایران، جلد دوم، تهران، انتشارات سلسیل.
۱۰. صفاری، علی [بی تا]؛ «مبانی نظری پیشگیری از وقوع جرم» مجله تحقیقات حقوقی، دانشگاه حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره‌های ۳۳-۳۴.



۱۱. کاری یو، روبر (۱۳۸۱)؛ «مداخله روان شناختی - اجتماعی زودرس در پیشگیری از رفتارهای مجرمانه»، برگردان علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۶-۳۵.
۱۲. گسن، ریموند (۱۳۸۵)؛ «جرم شناسی نظری»، برگردان مهدی کی نیا، مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ دوم.
۱۳. گسن، ریموند (۱۳۷۶)؛ «روابط میان پیشگیری وضعی و کنترل جرم»، برگردان علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره‌های ۲۰-۱۹.
۱۴. لپز، ژرار و فیلیزولا، ژینا (۱۳۷۹)؛ «بزه دیده شناسی»، برگردان: روح الدین کردعلی وند و احمد محمدی، مجمع علمی و فرهنگی مجد.
۱۵. مرکز مطالعات قوه قضاییه (۱۳۸۲)؛ «درآمدی بر پیشگیری از وقوع جرم»، مجموعه مقالات پیشگیری از جرم، مرکز مطبوعات و انتشارات.
۱۶. معظمی، شهلا (۱۳۸۲)؛ «پیشگیری از تکرار جرم»، مجموعه مقالات پیشگیری از جرم، مرکز مطبوعات و انتشارات.
۱۷. میر محمد صادقی، حسین [بی تا]؛ «ملاحظات در موضوع پیشگیری از جرم»، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره‌های ۳۶-۳۵.
۱۸. «میزگرد پیشگیری از جرم در حقوق کنونی ایران»، (۱۳۸۳)؛ مجله حقوقی دادگستری، سال شصت و هشتم، دوره جدید شماره ۴۹-۴۸. (پاییز و زمستان)
۱۹. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۲)؛ «پیشگیری از بزهکاری و پلیس محلی»، مجموعه مقالات پیشگیری از وقوع جرم معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم، مرکز مطبوعات و انتشارات.
۲۰. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۷۸)؛ «پیشگیری از بزهکاری و پلیس محلی» مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره‌های ۲۶-۲۵.

۲۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۳)؛ **پیشگیری از جرم، مباحثی در علوم جنایی**، به کوشش مهرداد رایجیان اصلی و شهرام ابراهیمی، تهران.
۲۲. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۳)؛ «**پیشگیری عادلانه از جرم**»، مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری، انتشارات سمت.
۲۳. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۸۰-۱۳۷۹)؛ **تقریبات جرم شناسی**، دوره دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.
۲۴. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۸۱-۱۳۸۰)؛ **تقریبات درس جرم شناسی**، کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی.
۲۵. نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید (۱۳۷۷)؛ **دانشنامه جرم شناسی**، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

26. Australian Institute of Criminology, **Understanding Situational Crime Prevention**, AIC Crime Reduction Matters No. 3, June 2003, P 2, at: <http://www.Crimereduction.Gov. UK/designingoutcrime1.htm>
27. Cavadino, M & Dignan, J (2002). **The Penal System: An Introduction**, 3<sup>rd</sup> edn, London.
28. Duff, R.A & Garland, D (1997). **Introduction: Thinking about Punishment, A reader on Punishment**, Oxford University Press.
29. Hastings, Ross (2005). "**Perspectives on Crime Prevention: Issues and Challenges**" Canadian Journal of Criminology and Criminal Justice (April). © 2005 CJCCJ/RCCJP, at: <http://www.uttjournals.com/cjccj/472/article001.pdf>
30. National Crime Prevention Centre, **Situational Crime Prevention**, at: [www.Utpjournals.com/cjccj/472-article005.pdf](http://www.Utpjournals.com/cjccj/472-article005.pdf)
31. Clarke, Ronald V **Situational Crime Prevention-Everybody's Business**, at: <http://www.acpc.Org.au/CONF95/Clarke.htm>
32. **Situational Crime Prevention**, at: <http://crimeprevention.Rutgers.Edu/topics/SCP%20theory/theory.htm>
33. Watch ,Church. **Community Crime Prevention**, at: <http://www.Gcc.State.NC.Uc./Crime-Prevention/community.Html>.